

درس نامه + آزمون + پاسخ تشریحی

فن الترجمة عربی

دکتر ایاد فیلی



انتشرالگو

دوستان سلام

اهمیت مبحث ترجمه و یادگیری خوب لغات و اصلاحات مهم کتاب‌های درسی بر کسی پوشیده نیست به طوری که به جرأت و با دلیل می‌توان گفت که مبحث ترجمه البته به‌علاوه درک مطلب (که به ترجمه و فهمیدن متن برمی‌گردد) حدود ۷۰٪ سؤال‌های کنکور را به خود اختصاص می‌دهند. برای همین تسلط بر این مبحث و یادگیری شگردها و اصول آن بسیار ضروری و حیاتی است. کتابی که در دست دارید به همین منظور تدوین و تألیف شده است.

ویژگی‌ها و فصل‌بندی کتاب:

مهم‌ترین ویژگی این کتاب آزمون‌های متعدد و گوناگون آن می‌باشد. همان‌طور که در فهرست مشخص است فصل اول این کتاب حاوی ۶۲ آزمون پیشرفته (۱۲ سؤال) از مبحث ترجمه به سبک کنکور سراسری است. این آزمون‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که تمام جمله‌های مهم و نکته‌های ویژه را در برمی‌گیرند و به طور کامل پوشش می‌دهند.

جالب این است که ۱۵ آزمون اول بر اساس و در سطح کتاب‌های عربی (۱، ۲ و ۳) طبقه‌بندی شده‌اند. بدین شکل که آزمون‌های (۱ تا ۵) تمام جمله‌های مهم و نکات عربی ۱ و آزمون‌های (۶ تا ۱۰) به مباحث عربی ۲ و آزمون‌های (۱۱ تا ۱۵) به مباحث و عبارات عربی ۳ اختصاص دارند و بقیه آزمون‌ها به صورت کلی و ترکیبی طراحی شده‌اند.

از آنجا که سؤال اول آزمون عربی همواره به ترجمه آیه‌ای از قرآن کریم اختصاص دارد تمام آیه‌های مهم کتاب درسی به صورت تست آورده شده‌اند (آزمون‌های ۳۷ تا ۴۰).

فصل دوم کتاب به فرمول‌ها و قواعد ترجمه همراه با نمونه‌های تستی هر قاعده می‌پردازد. در این فصل که در حقیقت درسنامه مبحث ترجمه است، تمام اصول و فنونی که یک دانش‌آموز یا دانشجو برای تسلط بر این مبحث لازم دارد، با زبانی ساده همراه با مثال‌های متعدد، بیان شده است.

فصل سوم به ترجمه و معانی لغات و اصطلاحات کتاب‌های درسی، یعنی لغت‌نامه اختصاص داده شده است. در این فصل فقط به معانی لغات اکتفا نشده است، بلکه ریشه و مضارع و مصدر فعل‌ها و از همه مهم‌تر علاوه بر کلمات متضاد کلمات شبیه به هم اما متفاوت از نظر معنی کنار هم قرار گرفته‌اند و ویژگی دیگر و خاص لغت‌نامه این کتاب، توجه به کلمات مهم داخل متن‌ها و تمرین‌های کتاب با ذکر نمونه و مثال در جمله است به طوری که سطر به سطر کتاب‌های درسی مطالعه و کلمات مهم و کاربردی آن‌ها استخراج و معنی شده‌اند.

فصل چهارم به جمع‌های مکسر و به مفاهیم و ضرب‌المثل‌های به کار رفته در کتاب‌های درسی از عربی هفتم تا عربی دوازدهم اختصاص داده شده است.

در فصل پایانی پاسخ‌های تشریحی کل سؤال‌های کتاب به زبانی ساده و مختصر آمده است. در این قسمت برای یادگیری بهتر، برخی از سؤال‌ها به چندین روش حل شده‌اند و روش و شیوه حل تست‌ها آموزش و توضیح داده شده است.

❖ روش مطالعه کتاب:

گرچه این کتاب با «آزمون‌های پیشرفته ترجمه» شروع می‌شود، اما پیشنهاد من این است که دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان عزیز ابتدا فرمول‌ها و قواعد ترجمه (یعنی فصل دوم) را همراه با حل نمونه‌های تستی این قواعد مرور کنند و همزمان با آن در هر جلسه، مطالعه و آموزش تعدادی از لغات (فصل سوم) را بگنجانند سپس آزمون‌های پیشرفته (فصل اول) را شروع کنند. نکته مهمی که نباید از آن غفلت کرد این است که هنگام کنترل پاسخ‌ها، به پاسخ‌های کلیدی اکتفا نکنید و حتی اگر به صورت درست به سؤالی پاسخ دادید حتماً باید به پاسخ‌های توضیحی و روش‌های ذکر شده برای حل سؤال و دلیل حذف گزینه‌های دیگر هم توجه بفرمایید. در پایان یادآوری این نکته ضروری است که نه تنها در درس بلکه در هر کاری، تمرین و ممارست و استمرار شرط رسیدن به فهم و درک درست و سرعت عمل است و به یاد داشته باشیم که هدف و منظور از یادگیری، بهتر و سالم‌تر زندگی کردن است:

جمله‌های ساده نسیم آب و جویبار
فعل لازم نفس کشیدن گیاه
اسم جامد ستاره، سنگ
اشتقاق برگ از درخت
و آنچه زین قبیل سؤال‌هاست؛
در بر ادیب دهر و مکتب حقایقش
بیش و کم شنیده‌ایم و خوانده‌ایم،
نکته‌هایی آشناست
لیک هیچ کس به ما نگفت
مرجع ضمیر زندگی کجاست^۱

با بهترین آرزوها
ایاد فیلی (میرشکاری)

۱- شعر از استاد بزرگوار دکتر شفیعی کدکنی است.



فصل اول: آزمون‌های پیشرفته

- آزمون‌های ۱ تا ۵: مطابق کنکور سراسری (در سطح عربی دهم) ۲
- آزمون‌های ۶ تا ۱۰: مطابق کنکور سراسری (در سطح عربی یازدهم) ۱۷
- آزمون‌های ۱۱ تا ۱۵: مطابق کنکور سراسری (در سطح عربی دوازدهم) ۳۲
- آزمون‌های ۱۶ تا ۳۶: مطابق کنکور سراسری ۴۸
- آزمون‌های ۳۷ تا ۴۰: (آزمون ویژه از آیه‌های قرآنی کتاب‌های درسی) ۱۱۱
- آزمون‌های ۴۱ و ۴۲ (لغات، مترادف و متضاد) ۱۲۳
- آزمون ۴۳ و ۴۴ (مفاهیم و قرابت‌های معنایی) ۱۲۷
- آزمون ۴۵ تا ۶۲ (کنکورهای سراسری ۹۸ و ۹۹) ۱۳۲

فصل دوم

- اصول و فنون ترجمه ۱۹۰

فصل سوم

- لغات ۲۲۲

فصل چهارم

- جمع‌های مکسر ۲۷۰
- مفاهیم و قرابت‌های معنایی ۲۸۱

فصل پنجم

- پاسخ‌های تشریحی ۳۰۸

آزمون ۱

مبحث آزمون

مطابق کنکور سراسری (در سطح عربی دهم)

زمان پیشنهادی

۸ الی ۱۰ دقیقه

شماره صفحات پاسخ تشریحی

۳۰۸ و ۳۰۹

عَيْنَ الْأَصْحٰحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ: (۱-۱۰)

﴿۱﴾ **لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ**:

- ۱) ملك آسمان‌ها و زمین از آن خداست، هر کس را بخواهد مورد غفران قرار می‌دهد و هر کس را بخواهد عذاب می‌کند!
- ۲) از آن خداوند است ملك آسمان و زمین، کسی را که مایل باشد غفران می‌دهد و کسی را که نخواهد عذاب می‌کند!
- ۳) ملك آسمان‌ها و زمین‌ها برای خداوند است، می‌آمرزد آن را که خواستار آمرزش است و عذاب می‌دهد آن را که خواهد!
- ۴) تعلق به الله دارد ملك آسمان و زمین‌ها، مورد آمرزش قرار می‌دهد آن را که مایل باشد و عذاب می‌دهد آن را که خواهد!

﴿۲﴾ **يَتْرَاكُم بَخَارِ الْمَاءِ فِي السَّمَاءِ وَ يَتَشَكَّلُ مِنْهُ الْغِيْمُ الَّذِي يُعَدُّ مَنَشَأَ الْمَطَرِ!**:

- ۱) بخار آب در آسمان متراکم می‌شود و از آن ابری تشکیل می‌گردد که منشأ باران به شمار می‌آید!
- ۲) این بخارهای متراکم آسمان هستند که ابر را تشکیل می‌دهند و همان منشأ باران به شمار می‌آیند!
- ۳) از بخار آبی که در آسمان متراکم شده است ابرها به وجود می‌آیند و آن یک منشأ برای باران است!
- ۴) بخار آب در آسمان متراکم می‌شود و سبب به وجود آمدن ابرها در آسمان می‌گردد که منشأ باران است!

﴿۳﴾ **«الشَّمْسُ كُرَّةٌ لَهَا نُورٌ وَ حَرَارَةٌ مِنْ ذَاتِهَا أَمَا الْقَمَرُ فَلَيْسَ هَكَذَا وَ ضَوْؤُهُ وَ حَرَارَتُهُ مِنَ الشَّمْسِ!»**:

- ۱) کره خورشید دارای نور و حرارتی از ذات خود است، اما ماه این‌گونه نیست و نور و حرارت خورشید را دارد!
- ۲) خورشید کره‌ای است که نور و حرارتی از ذات خویش دارد، اما ماه این‌گونه نیست و نور و حرارتش از خورشید است!
- ۳) کره خورشید صاحب نور و حرارتی است که از وجود خودش بر می‌آید، ولی ماه نور و حرارت خود را از خورشید می‌گیرد!
- ۴) خورشید کره‌ای با نور و حرارت ذاتی است که از درون خودش بر می‌آید، برعکس ماه که نور و حرارت آن از خورشید است!

- ﴿ ۴ ﴾ «تَبَادُلُ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللِّغَاتِ الْمُخْتَلَفَةِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ لَكِنْ قَدْ تَغَيَّرَ أَصْوَاتٌ وَأَوْزَانٌ بَعْضُهَا»: (۱) تبادل لغات بین زبان‌های گوناگون امری است طبیعی، اما گاهی صداها و وزن‌های برخی از آن‌ها تغییر پیدا می‌کند!
- (۲) جایگزینی کلمات در بین لغات مختلف امر طبیعی است، ولی تغییر در اصوات و اوزان برخی از آن‌ها اتفاق افتاده است!
- (۳) کلمات مفرد بین زبان‌های گوناگون مبادله می‌شوند و این امر طبیعی است، اما تلفظ‌ها و اوزان آن‌ها گاهی متغیر می‌شود!
- (۴) تبادل کلمات بین زبان‌های مختلف امر طبیعی می‌باشد، اما برخی صداها و وزن‌ها تغییر می‌یابند!

- ﴿ ۵ ﴾ «لَا تَجَادِلْ مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَيْ مَا تَقُولُ»: (۱) مجادله نکن با کسی که گفته تو را گوش نمی‌دهد!
- (۲) با کسی که به آنچه تو گفتی گوش نکرد، جدال نوز!
- (۳) با کسی که به آنچه تو می‌گویی گوش نمی‌دهد، جدال مکن!
- (۴) مجادله نمی‌کند کسی که به آنچه تو می‌گویی، گوش نمی‌دهد!

- ﴿ ۶ ﴾ «هُنَاكَ ظُلْمَةٌ كَامِلَةٌ فِي عُمُقِ مَائَتِي مِترٍ مِنَ الْبَحْرِ يَخْتْفِي كُلُّ لَوْنٍ فِيهَا»: (۱) آنجا در عمق دویست متر از دریا تاریکی کامل است که همه رنگی در آن پنهان می‌شود!
- (۲) تاریکی کامل در عمق دویست متری دریا وجود دارد که در آن همه رنگی را پنهان می‌کند!
- (۳) تاریکی کاملی در عمق دویست متری دریا وجود دارد که هر رنگی در آن پنهان می‌شود!
- (۴) آنجا تاریکی کاملی است در عمق دویست متر از دریا که هر رنگی را در خود مخفی می‌کند!

- ﴿ ۷ ﴾ عَيْنُ الصَّحِيحِ: (۱) الْقُرْآنُ يُؤَكِّدُ عَلَيَّ حَرِيَّةِ الْعَقِيدَةِ وَاحْتِرَامِ الْأَدْيَانِ الْإِلَهِيَّةِ: قرآن بر آزادی عقیده و احترام ادیان الهی تأکید کرده است!
- (۲) مَنْ يُجَاوِلُ بَثَّ الْخِلَافِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ عَمِيلٌ لِلْعَدْوِ: هر کس برای گسترش اختلافات بین مسلمانان تلاش کند، از عمل دشمن پیروی می‌کند!
- (۳) أَلْتَمَسْتُكَ بِالْقِيمِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ الْإِنْسَانِيَّةِ فَرِيضَةُ عَلَيَّ شَبَابِنَا: چنگ زدن به ارزش‌های اسلامی و انسانی خود بر جوانان واجب است!
- (۴) عَلَيَّ كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلِيمًا: بر همه مردم واجب است که به صورت مسالمت‌آمیز با یکدیگر همزیستی کنند!

- ﴿ ۸ ﴾ عَيْنُ الصَّحِيحِ: (۱) يُوصِلُنِي صَدِيقِي بِالسَّيَّارَةِ إِلَى الْمَنْزِلِ بِسُرْعَةٍ: دوستم را با ماشین به سرعت به منزل می‌رسانم!
- (۲) يُسَاعِدُنِي أَخِي الصَّغِيرُ فِي بَعْضِ الْأَعْمَالِ الصَّعْبَةِ: به برادر کوچک خود در بعضی از کارهای سخت کمک می‌کنم!
- (۳) تُعَلِّمُنِي زَمِيلَتِي أَسْلُوبَ حَلِّ هَذِهِ الْمَسْأَلِ الصَّعْبَةِ بِسَهُولَةٍ: همکلاسیم روش حل این مسائل سخت را به آسانی به من یاد می‌دهد!
- (۴) تُحَيِّرُنِي هَذِهِ الظَّاهِرَةُ الطَّبِيعِيَّةُ كَثِيرًا وَأَتَأَمَّلُ فِيهَا: این پدیده طبیعی مرا بسیار شگفت زده می‌کند و درباره آن‌ها فکر می‌کردم!

شماره صفحات پاسخ تشریحی

۳۴۸ و ۳۴۷

زمان پیشنهادی

۸ الی ۱۰ دقیقه

مبحث آزمون

مطابق کتکور سراسری

آزمون ۳۴

عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ: (۱-۰)

۱. ... يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ ﷻ:

- (۱) ... می‌خواهند سخن خدا تغییر داده شود! (۲) ... خواسته‌ی آنان تغییر کلام الله است!
 (۳) ... می‌خواهند کلام الهی را تغییر دهند! (۴) ... می‌خواهند کلام خدا را تغییر دهند!

۲. «لِهَذَا الطَّائِرُ صَوْتُ يُحَدِّرُ بِهِ الْحَيَوَانَاتِ الْأُخْرَى عِنْدَ مُوَاجَهَةِ الْخَطَرِ!»:

- (۱) این پرندۀ صدایی دارد که با آن حیوانات دیگر را هنگام روبه‌رو شدن با خطر برحذر می‌کند!
 (۲) این پرندۀ ای است که با صدای خود حیوانات دیگر را هنگام رویارویی با خطر برحذر می‌کند!
 (۳) صدای این پرندۀ حیوانات دیگر را هنگامی که با خطر روبه‌رو می‌شوند، برحذر می‌کند!
 (۴) این پرندۀ صدایی دارد که حیوانات دیگری را هنگام مواجهه با خطر آگاه می‌کند!

۳. «إِنَّ الذُّنُوبَ وَالْمَعَاصِي تَسْبَبُ غَضَبَ اللَّهِ فَلْتَتَّبِعْ عَنَهَا وَتَسْتَغْفِرْ رَبَّنَا!»:

- (۱) باید از گناهان و معصیت‌هایی که سبب خشم خدا هستند دوری کنیم و از خدا مغفرت خواسته شود!
 (۲) همانا که گناهان و معصیت‌ها سببی هستند برای خشم خدا، پس از آن‌ها دوری کنیم و از خدای خود مغفرت بطلبیم!
 (۳) به‌درستی که گناهان و معصیت‌ها باعث خشم خدا می‌شوند، پس باید از آن‌ها دوری کنیم و از خدای خود آمرزش بطلبیم!
 (۴) به‌درستی که گناهان و معصیت‌ها باعث خشم خدا می‌شوند و ما را از خدا دور می‌کنند، پس آموزش بطلبیم از خدا!

۴. «قَدْ أَثْبَتَ الدَّرَاسَاتُ الْعِلْمِيَّةُ أَنَّ الدَّلْفِينَ يَتَمَتَّعُ بِنِظَامِ اتِّصَالَاتٍ لَيْسَ لَهُ مَثِيلٌ لَدَى الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ الْأُخْرَى!»:

- (۱) تحقیقات علمی ثابت کرده است که دلفین دارای سیستم ارتباطی بی‌نظیری است که هیچ کدام از موجودات زنده‌ی دیگر از آن بهره‌مند نیستند!
 (۲) پژوهش‌های علمی ثابت کرده است که دلفین از سیستم مخابراتی بهره‌ی می‌برد که نظیری در موجودات زنده‌ی دیگر، ندارد!
 (۳) تحقیقات علمی ثابت کرد که دلفین حیوانی است که بهره‌ی می‌برد از نظم مخابراتی که هیچ شبیهی در نزد موجودات دیگر زنده، ندارد!
 (۴) بررسی‌های علمی ثابت کرده بود که دلفین از سیستم ارتباطی بهره‌ی می‌برد که مثل آن نیست در نزد موجودات زنده‌ی دیگر!

۵ «يُودِّي لَاعِيِي هَذَا الْفَرِيْقِ دَوْرَهُمْ بِمَهَارَةٍ وَفَقاً لِلْخَطَةِ الَّتِي قَدْ رُسِمَتْ لَهُمْ!»:

- ۱) ایفا می‌کند بازیکن این تیم نقش خود را با مهارت موافق با نقشه‌ای که داده شده به او!
- ۲) بازیکنان این تیم ادامه می‌کنند نقش‌های خود را طبق نقشه‌ای که با مهارت برای آن‌ها ترسیم شده است!
- ۳) بازیکنان این تیم نقش خود را ماهرانه برحسب نقشه ترسیم شده برای آن‌ها ایفا می‌کردند!
- ۴) بازیکنان این تیم نقش خود را با مهارت برحسب نقشه‌ای که برای آن‌ها ترسیم شده است، ایفا می‌کنند!

۶ «يُسَيِّي هَوْلَاءِ الْقَوْمِ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ بِمَطْرِ السَّمَكِ وَ قَدْ تَحَدَّثَ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ!»:

- ۱) این پدیده توسط این قوم به (باران ماهی) نامگذاری می‌شود و دو بار در سال اتفاق می‌افتد!
- ۲) این قوم این پدیده را باران ماهی می‌نامند و ممکن است دو بار در سال اتفاق بیفتد!
- ۳) اینان قومی هستند که این پدیده را باران ماهی می‌نامند و گاهی دو مرتبه در سال اتفاق می‌افتد!
- ۴) باران ماهی اسمی است که این قوم بر این پدیده می‌نهند که ممکن است دو بار در سال حادث شود!

۷ «يَسْتُرُ هَذَا السَّمَكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْجَفَافِ فِي غِلَافٍ مِنْ الْمَوَادِّ الْمُخَاطِيَةِ الَّتِي يُخْرِجُهَا مِنْ فِيهِ!»:

- ۱) این ماهی مخفی می‌شود در موسم خشکسالی در پوسته‌ای از مواد مخاطی که از دهان او خارج می‌شود!
- ۲) این ماهی در خشکی خود را در پوسته‌ای مخاطی که از دهان خارج می‌کند، مخفی می‌کند!
- ۳) این ماهی هنگام خشکسالی خود را در پوسته‌ای از مواد مخاطی که از دهان خود خارج می‌کند، پنهان می‌سازد!
- ۴) می‌پوشاند این ماهی خود را هنگام خشکسالی در پوستی از مواد مخاطی که از دهان او خارج شده است!

۸ عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) فَهَمَّ الطَّلَابُ أَهْمِيَةَ الدِّرَاسَةِ وَ غَيَّرُوا نَظْرَتَهُمْ حَوْلَ التَّعَلُّمِ: دانش‌آموزان اهمیت درس را فهمیدند و نظرشان درباره آموزش دادن تغییر کرد!
- ۲) إِنْتَبَهَ أَنْ لَا تَشْتَغَلَكَ زِينَةُ الدُّنْيَا بِنَفْسِهَا: آگاه باش که زینت دنیا تو را به خود مشغول نکند!
- ۳) لَنْ نَسْمَحَ لِلْمُسْتَكْبِرِينَ أَنْ يَتَدَخَّلُوا فِي شُؤُونِنَا الْاجْتِمَاعِيَّةِ: به مستکبران اجازه نمی‌دهیم که در کارهای اجتماع ما دخالت کنند!
- ۴) قَدْ حَضَرَ الْمَدِيرُ جَوَائِزَ ثَمِينَةً لِلطَّلَابِ الْمُجْتَهِدِينَ: مدیر جایزه‌های گرانبها را برای دانش‌آموزانی که کوشا بودند، آماده کرده است!

۹ عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ۱) لَمَّا عَزِمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي مَا وَجَدْتُ أَحَدًا: هنگامی که تصمیم گرفتم از نجات دهنده‌ی خود تشکر کنم، کسی را نیافتم!
- ۲) خَيَّرَ الْأَسْتَاذُ طَلَابَهُ فِي اخْتِيَارِ يَوْمِ الْإِمْتِحَانِ: استاد به دانشجویان خود در انتخاب روز امتحان اختیار داد!
- ۳) يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي مَرَاثِمِ الْحَجِّ بوضوح: اتحاد امت اسلامی در مراسم حج به وضوح آشکار می‌شود!
- ۴) اِبْتَعَدُوا عَنِ الْخِلَافِ لِأَنَّهُ مَا اِنْتَفَعَ أَحَدٌ بِهِ: از اختلاف دوری کردند زیرا کسی از آن سود نبرد!

آزمون ۳۷

مبحث آزمون

آزمون ویژه از آیه‌های قرآنی کتاب‌های درسی

زمان پیشنهادی

۸ الی ۱۰ دقیقه

شماره صفحات پاسخ تشریحی

۲۵۱ و ۲۵۲

همانطور که می‌دانید سؤال اول آزمون عربی در کنکورهای سراسری همواره به ترجمه آیه‌ای از قرآن (که در کتاب‌های درسی عربی آمده است) اختصاص دارد. با توجه به اهمیت آیه‌های ذکر شده در کتاب‌های درسی در امتحان نهایی و همچنین آزمون‌های سراسری، چند آزمون بعدی به این مبحث اختصاص دارد و تقریباً تمام آیه‌های به کار رفته در کتاب‌های عربی دهم، یازدهم و دوازدهم را پوشش می‌دهد. لازم به یادآوری است مانند بقیه آزمون‌های این کتاب، سطح این آزمون‌ها نیز کمی از کنکورهای سراسری سخت‌تر است.

عَيْنِ الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنَ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ: (۱-۱۲)

۱. ... الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ:

- ۱) آن‌ها که در حال رکوع کردن نماز می‌گذارند و زکات می‌دهند!
- ۲) کسانی که اقامه نماز می‌کنند و زکات می‌دهند و در حال رکوع هستند!
- ۳) آنان که نماز را اقامه می‌کنند و در حال رکوع کردن زکات خود را می‌پردازند!
- ۴) کسانی که نماز را برپا می‌دارند و در حالی که در رکوع هستند زکات را می‌دهند!

۲. ﴿مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾:

- ۱) هر آنچه برای خود بفرستید خیر آن را در نزد خدا خواهید یافت!
- ۲) هر آنچه برای خودتان از خیر فرستادید آن را نزد خدا می‌باید!
- ۳) هر آنچه برای خود از خیر پیش بفرستید آن را در نزد خدا می‌باید!
- ۴) آنچه از خیر فرستاده می‌شود در نزد خدا آن را پیدا می‌کنید!

۳. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾:

- ۱) بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند!
- ۲) به‌درستی که خداوند بر مردم بخشنده است در حالی که بیشتر مردم ناسپاسی می‌کنند!
- ۳) همانا خداوند صاحب فضل و بخشش است بر مردم اما مردم بیشتری ناسپاسی می‌کنند!
- ۴) بی‌گمان فضل خدا شامل مردم است اما بیشتر مردم شکرگزاری نمی‌کنند!

﴿ ۴ ﴾ رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أقدامنا و أَنْصُرْنَا عَلَى الْكافِرِينَ ﴿﴾:

- ۱) پرودگارا خالی کن بر ما صبر را و قدم‌های ما را محکم گردان و بر یاور ما باشد غلبه بر کافران!
- ۲) پرودرگا! به ما صبری عطا کن و قدم‌های ما را استوار کن و ما را بر کافران پیروز گردان!
- ۳) خدای ما! به ما صبر عطا کن و پاهای ما را محکم و استوار گردان و ما را یاری کن برای شکست قوم کافر!
- ۴) خدای ما صبری را بر ما فرو فرستاد و قدم‌های ما را استوار کرد و بر قوم کافر پیروز کرد!

﴿ ۵ ﴾ فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ و مَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ ﴿﴾:

- ۱) پس آمرزش خواستید برای گناهان خود و چه کسی جز خدا می‌آمرزد گناهان را!
- ۲) پس برای گناهان خود آمرزش خواستند و چه کسی جز الله گناهان را می‌آمرزد!
- ۳) مسلماً کسی جز خدا گناهان را نمی‌آمرزد پس برای گناهان خود آمرزش طلب کنید!
- ۴) پس طلب آمرزش کنید برای گناه خود و کیست که می‌آمرزد گناه را جز خدای متعال!

﴿ ۶ ﴾ و اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ و اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿﴾:

- ۱) بر آنچه می‌گویند صبر پیشه کن و به گونه‌ای زیبا از آنان کنار بگیر!
- ۲) بر آنچه گفته می‌شود بردبار باش و به گونه‌ای نیکو از آنان دوری گزین!
- ۳) بر آنچه می‌گویند صبر کن و حتماً از آنان دوری گزین!
- ۴) صبر پیشه کن بر آنچه می‌گویند و هجرت زیبا داشته باش!

﴿ ۷ ﴾ اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِکْمَةِ و الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ و جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ﴿﴾:

- ۱) با حکمت و پند نیک در راه خدا دعوت کن و با آنان به گونه‌ای نیکو جدل کن!
- ۲) با دانش و پندی نیک در راه خدایت دعوت کن و گفتگو کن با آنان به آنچه نیکوتر است!
- ۳) دعوت کن در راه پروردگارت با دانش و اندرزهای نیکو و با آنان جدل نکن با نیکوترین روش!
- ۴) با دانش و اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به آنچه که بهتر است گفت و گو کن!

﴿ ۸ ﴾ رَبِّ إِنِّي بِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿﴾: پرودگارم

- ۱) بی‌گمان بر آنچه بر من نازل شده است از خیر و برکت فقیر و نیازمندم!
- ۲) به درستی که من بر آنچه نازل کردی از خیر، نیازمند و محتاج هستم!
- ۳) من بی‌گمان به آنچه از نیکوها برای من ارسال کردی نیازمند هستم!
- ۴) من بی‌گمان به آنچه از خیر برایم فرستادی، نیازمندم!

﴿ ۹ ﴾ مَبِّزُ الصَّحِيحِ ﴿﴾:

- ۱) ﴿كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾: خدا با موسی سخن گفت!
- ۲) ﴿أذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾: خدا را همیشه یاد کنید!
- ۳) ﴿اصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾: قطعاً شکیبایی کن!
- ۴) ﴿و نَزَّلَ الْمَلَائِكَةَ تَنْزِيلًا﴾: و فرشتگان قطعاً فرو فرستاده شدند!

شماره صفحات پاسخ تشریحی ۳۵۶ و ۳۵۷	زمان پیشنهادی ۸ الی ۱۰ دقیقه	مبحث آزمون لغات، کلمات مترادف و متضاد	آزمون ۴۲
--------------------------------------	---------------------------------	--	----------

میز مناسب للفرغات: (۳-۱)

۱ «الْحَسَدُ يَأْكُلُ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ

- (۱) الإحسان - السَّيِّئَاتِ
(۲) السَّيِّئَاتِ - الحَطَبِ
(۳) الحسنات - السَّيِّئَاتِ
(۴) الحسنات - الحطب

۲ «..... مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.»

- (۱) الفُسُوقُ
(۲) الغَيْبَةُ
(۳) سوء الظَّنِّ
(۴) الأخلاقُ الحَسَنَةُ

۳

- (۱) يُفْتَحُ بَابُ الامتحان للطلاب: سيورة.
(۲) الدُّلْفَيْنِ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ التي تُرَضِعُ صِغَارَهَا: اللبونة.
(۳) هو ما يُعْطَى مُقَابِلَ عَمَلٍ عَامِلٍ أَوْ مُوْتَفِّفٍ: الحُصَّةُ.
(۴) تَبْدَأُ هَذِهِ الْعُصُوفُ بِالْ حول جذع شجرة أُخْرَى: التفتات.

۴ مِيزُ الْخَطَأِ:

- (۱) يَفْرُقُ لِسَانَ الْقَطِّ مُطَهَّرًا لِمُعَالَجَةِ جِرْحِهِ: غُدْدًا.
(۲) كان كلٌّ لَاعِبٍ يَلْعَبُ بِمَهَارَةٍ: دَوْرَهُ.
(۳) هو شِعْرٌ بَعْضُ آيَاتِهِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَبَعْضُهَا بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ: المُلَمَّعُ.
(۴) هو الذي يَفْهَمُ كَثِيرًا: الفَهَامَةُ.

۵ مِيزُ الْخَطَأِ فِي تَرْجُمِهِ مَا تَحْتَهُ خَط:

- (۱) لا أَسْتَطِيعُ قِرَاءَةَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ دُونَ نَظَّارَةٍ: عَيْنِكَ
(۲) تَعَجَّبَ الْمُشَاهِدُ مِنْ هَذَا الْبِرْنَامِجِ: بَيْنَنْدِهِ
(۳) لا رَصِيدَ فِي هَذَا الْجِوَالِ: شَارِثُ
(۴) أَغْصَانُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ نَضْرَةٌ: دِيدَنِي

۶ مِيزُ الصَّحِيحِ فِي التَّوَضِيحَاتِ:

- (۱) مكان يُدْرَسُ فِيهِ الْاِسْتَاذُ وَ يُلْقِي مُحَاضِرَاتِهِ فِيهِ: المَوْسُوعَةُ.
(۲) الذي يُفْهَمُ المَوْضُوعَاتِ بِسَهُولَةٍ وَ يَتَعَلَّمُهَا بِسُرْعَةٍ: الذَّكِيُّ.
(۳) فَلَزَّ أَعْلَى مِنَ الذَّهَبِ وَ النُّحَاسِ: الفِصَّةُ.
(۴) وسيلة نَسْتَطِيعُ أَنْ نَتَكَلَّمَ بِوَاسِطَتِهَا مَعَ الْآخَرِينَ: جَوْلَةٌ.

پاسخ تشریحی آزمون ۱

۱ با توجه به کلمه «السموات» که جمع می‌باشد، گزینه‌های (۲) و (۴) حذف می‌شوند و در گزینه‌های (۳) و (۴) نیز کلمه (زمین‌ها) باید به صورت مفرد می‌آمد. (هنر - ۹۵)

۲ **روش اول:** با توجه به سه فعل مضارع، یتراکم، یتشکل و یعدُّ به کار رفته در سؤال مورد نظر فقط گزینه (۱) می‌تواند درست باشد.

روش دوم: با توجه به اینکه کلمات (بخار) و (الغیم: ابر) مفرد هستند و این کلمات فقط در گزینه (۱) به صورت مفرد ترجمه شده‌اند، بقیه گزینه‌ها را حذف می‌کنیم. (ریاضی - ۹۸ نظام قدیم)

۳ با توجه به ضمیر متصل در (ذاتها) و (ضوؤه...)، گزینه‌های (۱) و (۴) حذف می‌شوند و گزینه (۳) به خاطر فعل‌های (بر می‌آید) و (می‌گیرد) نمی‌تواند درست باشد.

۴ با توجه به [المُفْرَدَات = کلمات، لغات]، (قد تَتَغَيَّر = قد + مضارع) و [گاهی تغییر پیدا می‌کند، شاید تغییر پیدا کند] و (بعضها: برخی از آن‌ها) فقط گزینه (۱) می‌تواند درست باشد. موارد نادرست در سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): (جایگزینی)، (لغات) و (اتفاق افتاده است = فعل ماضی). / گزینه (۳): (کلمات مفرد)، (مبادله می‌شوند) / کلمه (بعضها) ترجمه نشده است. / گزینه (۴): (برخی صداها...، [بعضها] باید به صورت برخی از آن‌ها ترجمه می‌شد).

۵ با توجه به سه فعل مضارع (لا تُجَادِلُ، لا یَسْتَعْمُ، تقول) گزینه‌های (۱) و (۲) حذف می‌شوند و گزینه (۴) نیز به خاطر (مجادله نمی‌کند) نادرست است، زیرا باید به صورت نهی مخاطب (مجادله نکن) می‌آمد. (انسانی - ۹۹)

۶ (هناک) اگر اول جمله بیاید و بعد از آن اسم نکره قرار بگیرد معمولاً به صورت (وجود دارد، هست) معنی می‌شود، بنابراین گزینه‌های (۱) و (۴) را حذف می‌کنیم و کلمه (کَلَّ) اگر قبل از اسم نکره بیاید (کَلَّ لَوْنٍ) به صورت (هر) معنی می‌شود نه نکره

(همه) بنابراین گزینه (۲) نیز حذف می‌گردد. **توجه:** (مائتی متر = دویست متر) در اصل (مائتین + متر) بوده است که نون (مائتین) به خاطر مضاف واقع شدن، حذف شده است. (ریاضی - ۹۹ نظام قدیم)

۷ موارد نادرست سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): فعل (تأکید کرده است) باید به صورت (تأکید می‌کند) یعنی به صورت مضارع می‌آمد. / گزینه (۲): (عمیل) باید به صورت دست‌نشانده (مزبور) ترجمه شود، (پیروی می‌کند) در آن عبارت وجود ندارد و ... / گزینه (۳): (شبابنا) همراه با ضمیر آمده است بنابراین باید بگوییم (جوانان ما) در ضمن کلمه (خود) بعد از (اسلامی و انسانی) اضافه است.

توجه: در گزینه (۴)، (عَلَى + اسم) اول جمله آمده است و این قبیل ترکیب‌ها، معمولاً حالت امری دارند و به صورت فعل امر (باید) یا (واجب است) معنی می‌شوند.

۸ در گزینه (۳) فعل **تَعَلَّمَنِي** + نون وقایه + ضمیر مفعولی (ی) [به صورت (مرا) آموزش می‌دهد] یا (به من آموزش می‌دهد) معنی می‌شود. (أسلوب) نیز به معنی (راه و روش) می‌باشد و به شکل درست معنی شده است اما در بقیه گزینه‌ها: در گزینه‌های (۱) و (۲) فعل‌های (يُوصَلْتِي) و (يُسَاعِدْنِي) به شکل نادرست معنی شده‌اند زیرا این فعل‌ها با نون وقایه آمده‌اند و باید در ترجمه آن‌ها (مرا) یا (از من) بیاید. گزینه (۴) نیز به خاطر اینکه (الطَّبِيعَةِ) را به جای (طبیعی) به صورت (طبیعت) معنی کرده در ضمن (أَتَأَمَّلُ) مضارع است نه ماضی استمراری و باید به صورت (فکر می‌کنم یا تأمل می‌کنم) ترجمه می‌شد.

(دارد) می‌باشد؛ بنابراین از بین گزینه‌های (۱) یا (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم اما گزینه (۴) به خاطر کلمه (دیگری) که با (ی) نکره آمده است، نمی‌تواند درست باشد.

عبارت داده شده دارای سه فعل مضارع (تُسَبَّبُ: باعث می‌شود / لِيَتَّبِعُدْ: باید دوری کنیم / و نَسْتَغْفِرُ: آمرزش و مغفرت بطلبیم) و این حالت فقط در گزینه (۳) آمده است. دقت کنید که در این عبارت فعل «نَسْتَغْفِرُ» چون بعد از (واو) عطف آمده مانند فعل قبل از خود به صورت (امر) معنی می‌شود.

قد آتبت (= قد + ماضی) به صورت ماضی نقلی یا ماضی ساده ترجمه می‌گردد (حذف گزینه (۴)). (يَتَمَتَّعُ فعل مضارع است و به صورت (بهره می‌برد) ترجمه می‌گردد در نتیجه گزینه (۱) نیز نمی‌تواند درست باشد. گزینه (۳) نیز به خاطر (نظم مخابراتی) و (موجودات دیگر زنده) و ... نادرست است.

(لاعبي) جمع است نه مفرد؛ بنابراین گزینه (۱) را حذف می‌کنیم گزینه (۲) نیز نادرست است زیرا کلمه (دور: نقش) مفرد و (مهارة) متعلق به بازیکنان است نه (نقشه). در گزینه (۳) فعل مضارع (يُؤَدِّي) به صورت ماضی استمراری معنی شده است و همین مورد کافی است که سریعاً این گزینه را نیز حذف کنیم.

با توجه به فعل مضارع معلوم يُسَمِّي (= می‌نامند) از بین گزینه‌های (۲) و (۳) یکی را انتخاب می‌کنیم که گزینه (۳) به خاطر (اینان قوی ...) نمی‌تواند درست باشد.

۱- (لاعبي) در اصل (لاعبين) بوده است اما چون بعد از آن مضاف‌الیه (یعنی هذا) آمده است، نون آخر آن حذف شده است.

(تعاوَرَ) ماضی باب (تفاعل) و (تفكروا) ماضی جمع باب (تفعل) و نباید به صورت مضارع ترجمه می‌شدند.

سومین کتاب = الكتاب الثالث / روز دوازدهم = اليوم الثاني عشر. عدد ترتیبی توجه: عدد دوازده را با دوازدهم (از اعداد ترتیبی) اشتباه نکنید:

دوازده } اثنا عشر (اثنا عشرة)
} اثني عشر (اثنتي عشرة)
دوازدهم ← الثاني عشر (الثانية عشرة)

به معنی گزینه‌ها توجه کنید: گزینه (۱): زمان غروب خورشید تا طلوع آن: الليل (شب) / گزینه (۲): (چیزی) که باید همراه با جهانگرد باشد هنگامی که از کشور خارج می‌شود: مثلاً جواز سفر: گذرنامه، پاسپورت اما کلمه مطار (فرودگاه) نمی‌تواند درست باشد. / گزینه (۳): حیوانی که گردنی دراز دارد: زرافه، (أرنب = خرگوش) و نادرست است. / گزینه (۴): چیزی که هنگام خرید و فروش مبادله می‌کنیم: نقود (پول)

(هُنَاكَ) در گزینه (۱) بعد از مِن (از) آمده و به معنی (آنجا) می‌باشد اما در گزینه‌های دیگر به معنی (وجود دارد، هست) می‌باشد. نکته: (هناك) با اینکه اسم است گاهی به صورت فعل یعنی به صورت (وجود دارد، هست) معنی می‌شود.

پاسخ تشریحی آزمون ۳۴

«أَنْ يُبَدِّلُوا» معلوم است نه مجهول؛ بنابراین به صورت (تغییر بدهند) یا (تبدیل کنند) ترجمه می‌گردد و کلمه (الهی) در گزینه (۳) نادرست است زیرا با (ی) و به صورت (اسم نسبت) آمده است.

(لِ- + اسم)، اول عبارت به معنی

گزینه (۳) می‌گوید: (دانش‌آموزان این کلاس کمتر از هفت ساعت درس می‌خوانند به جز پنج درصد (آن‌ها)) و این عبارت با عبارت داده شده در سؤال مورد نظر متفاوت است.

۱۱-۴) معنی سؤال: کدام گزینه از کارهای ناپسند به شمار نمی‌رود. معنی گزینه‌ها به ترتیب (خودپسندی، آلوده شدن به گناه، ریشخند و مسخره کردن دیگران، لقب دادن). خلاصه اینکه «لقب دادن» کار بدی نیست بلکه (لقب‌های بد) به دیگران دادن، ناپسند و مذموم است.

۱۲-۴) (خطط) به معنی نقشه‌ها می‌باشد و مفرد آن حُطَّة (نقشه) است. مفرد بقیه گزینه‌ها به ترتیب: گزینه (۱): مَیَّت / گزینه (۲): اَساور (به معنی دست‌بندها) و مفرد آن = سَوار / گزینه (۳): کبیر دقت کنید که جمع سور (حصار) = اَسوار و جمع اکبر (بر وزن افعال) = اکابر می‌باشد.

پاسخ تشریحی آزمون ۳۷

۱-۴) الذین: کسانی که / هم راکعون (جمله حالیه): در حالیکه در رکوع هستند. (هنر - ۹۸)

۲-۳) با توجه به شرطی بودن جمله و فعل‌های مضارع تُقَدِّمُوا (پیش فرستادید) و (تجدوه: آن را می‌یابید) به گزینه (۳) می‌رسیم. دقت کنید که گزینه (۱) به خاطر (خیر آن را) و گزینه (۲) به خاطر فعل ماضی (فرستادید) و گزینه (۴) به خاطر فعل مجهول و سوم شخص (فرستاده می‌شود) نادرستند.

۳-۱) گزینه (۲) به خاطر (در حالی که) و گزینه (۳) به خاطر (مردم بیشتری) و گزینه (۴) به خاطر (فضل خدا شامل) نمی‌توانند درست باشند.

توجه: دقت کنید فعل مضارع اگر با (قد) به کار برود اغلب به صورت (گاهی ...) یا (ممکن است ...) می‌آید. برای همین (قد تحدث) = گاهی اتفاق می‌افتد. ممکن است اتفاق بیفتد.

۷-۳) باید دقت کرد که فعل «یُخْرِج» مجرد ثلاثی است و به صورت (خارج می‌شود) معنی می‌شود اما «یُخْرِج» بر وزن یُفْعِل (= مضارع باب افعال) و مزید ثلاثی می‌باشد و به صورت (خارج می‌کند) ترجمه می‌شود. برحسب این توضیح از بین گزینه‌های (۲) یا (۳) یکی را انتخاب می‌کنیم که گزینه (۲) به خاطر (خشکی) و (پوسته مخاطی) و ... نمی‌تواند درست باشد.

۸-۲) در گزینه (۱) کلمه تَعَلَّم (= مصدر باب تَفَعَّل) به معنی آموزش دیدن یا (یاد گرفتن) می‌باشد نه (آموزش دادن) در ضمن فعل غَیَّر (بر وزن فَعَّل) به معنی (تغییر داد) می‌باشد نه (تغییر کرد). در گزینه (۳) فعل (لَنْ نَسْمَح) به صورت مستقبل منفی (= اجازه نخواهیم داد) معنی می‌شود و (اجتماعیّه) نباید به صورت (اجتماع) معنی شود. گزینه (۴) نیز به خاطر (بود) و همچنین (جایزه‌های گرانبها) که به صورت معرفه معنی شده است، نمی‌تواند درست باشد.

۹-۴) در گزینه (۴) اِبْتَعَدُوا (با توجه به زیر حرف عین) امر است نه ماضی بنابراین به صورت (دوری کنید) ترجمه می‌شود.

۱۰-۱) با توجه به (کمتر از هفت ساعت) یعنی کلمه (کمتر) متعلق به (هفت ...) می‌باشد و بعد از (کمتر) باید مستقیم عدد سَبْع (= هفت) بیاید از بین گزینه‌های (۱) یا (۳) یکی را انتخاب می‌کنیم. دقت کنید که در سؤال مورد نظر گفته (فقط ...) یعنی اگر از اسلوب حَضَرَ (فعل منفی ... + اِلَّا) استفاده کنیم باید فعل قبل از (اِلَّا) منفی باشد. بنابراین گزینه (۳) را حذف می‌کنیم، به عبارت دیگر

اصول درست ترجمه

ترجمه از مهم‌ترین و پرکاربردترین مباحث کنکور عربی است و همان‌طور که می‌دانیم از ۲۵ سؤال درس عربی آزمون سراسری ۱۰ سؤال به صورت مستقیم و چند سؤال به صورت غیرمستقیم به این مبحث اختصاص دارد. (البته معمولاً دو سؤال در مورد لغت و توضیحات مربوط به لغت می‌دهند که باز هم به مبحث ترجمه برمی‌گردند.)

نکته قابل توجه این است که اغلب سؤال‌های ترجمه را می‌توان با استفاده از فرمول‌های ساده زیر حل کرد. برای حل تست‌های ترجمه ابتدا به نکات کارساز و شگفت‌انگیز زیر توجه کنید:

- اول زیر فعل‌های جمله خط بکشید و به زمان و تعداد آن‌ها خوب توجه کنید.
- به ضمیرها و اسم‌های موصول (مانند: الَّذِي (کسی که، که)، الَّذِي (کسانی که، که) و ...) و اسم‌های اشاره (مانند: هَذَا، هَؤُلَاءِ و ...) توجه کنید.
- به اسم‌های عبارات مورد نظر از نظر (مفرد یا جمع) و همچنین (معرفه یا نکره) بودن توجه کنید.

معمولاً با استفاده از فرمول‌های ساده بالا، سریع‌تر و مطمئن‌تر به جواب مورد نظر می‌رسید و به جرأت می‌توان گفت از ۱۰ سؤال ترجمه با این روش، حداقل (۶-۵) سؤال را به آسانی می‌توان حل کرد. لطفاً اول به شکل افعال و روش ترجمه هر کدام از آن‌ها توجه بفرمایید سپس به چند سؤال که در کنکورهای سراسری سال‌های گذشته آمده‌اند و همگی آن‌ها فقط با دقت به زمان و نوع فعل‌ها و تعداد آن‌ها و ضمیر و ... قابل حل هستند، پاسخ بدهید.

الف) فرمول‌های ترجمهٔ افعال جمله

۱ فعل ماضی: عَرَفَ (شناخت) ... عَرَفُوا (شناختند) ... عَرَفْتُمْ (شناختید)

۲ فعل مضارع: يَعْرِفُ (می‌شناسد) ... تَعْرِفُونَ (می‌شناسید)

۳ فعل امر: اُكْتُبْ (بنویس) ... اِرْجِعُوا (برگردید) ...

۴ معادل ماضی استمراری: (كان + مضارع) **مثال**] كَانْ يَعْرِفُ: می‌شناخت
كُنْتُ أَعْرِفُ: می‌شناختم

۵ معادل ماضی بعید: (كان + قد + ماضی) **مثال**] كَانْ قَدْ عَرَفَ: شناخته بود
كُنْتُ قَدْ عَرَفْتُ: شناخته بودم

۶ فعل (كان) بدون اینکه فعل ماضی یا مضارع بعد از آن بیاید، معنی «بود» می‌دهد.

مثال] كان التلميذ مؤدباً: دانش‌آموز مؤدب بود.

۷ كان + لـ: داشت

مثال] كان لأخي كتابٌ: برادرم کتابی داشت.

توجه] ((عند) یا ((لـ)) + ضمیر متصل^۱ ← دارم، داری، دارید و ...

مثال] عِنْدِي: دارم / عِنْدَكَ: داری و ...
لَهُ: دارد = برای او / لَكَ: داری = برای تو و ...

توجه

۸ **قد + ماضی:** ماضی نقلی یا ماضی ساده ← **قد ذهب:** رفت یا رفته است.
قد + مضارع: «شاید» یا «گاهی» ← **قد يذهب:** شاید برود، گاهی می‌رود.

(قد + ماضی) ← می‌تواند هم به صورت ماضی ساده و هم به صورت ماضی نقلی ترجمه شود.

۹ «سَب» یا «سَوْفَ» + مضارع ← **مستقبل**] سَيَذْهَبُ: خواهد رفت
سَوْفَ يَذْهَبُ: خواهد رفت

۱۰ لَنْ + مضارع ← **مستقبل منفی**] لَنْ يَذْهَبَ: نخواهد رفت

توجه

(لَمَّا + ماضی) (= هنگامی که)
مثال: لَمَّا رَجَعَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ ... هنگامی که از مدرسه برگشت ...

۱۱ (لَم) یا (لَمَّا) + مضارع ← **ماضی ساده منفی** یا **ماضی نقلی منفی**] لَمْ يَذْهَبْ: نرفت، نرفته است
لَمَّا يَذْهَبْ: هنوز نرفته است

۱- (لـ + اسم) ممکن است به صورت (دارد، دارند) معنی شود یعنی (لـ) ملکیت باشد.

اکنون به چند تست که در سال‌های اخیر آمده‌اند، و همگی با توجه به قواعد ساده ترجمه یعنی توجه به (فعل)ها، اسامی اشاره، (جمع یا مفرد) بودن اسم‌ها و ... قابل حل هستند، توجه بفرمایید:

نمونه: «تستطيع الدلافين أن تُرشدنا إلى مكان سقوط طائرة أو مكان غرق سفينة!»: دلفین‌ها

(تجربی - ۹۸)

- ۱) توانستند ما را به مکان سقوط هواپیماها و غرق کشتی‌ها هدایت کنند!
- ۲) می‌توانستند ما را به مکان سقوط هواپیما و غرق کشتی، راهنمایی کنند!
- ۳) توانستند ما را به مکان سقوط هواپیماها یا مکان غرق کشتی‌ها هدایت نمایند!
- ۴) می‌توانند ما را به مکان سقوط یک هواپیما یا مکان غرق یک کشتی، راهنمایی کنند!

پاسخ: (تستطيع) مضارع است و به صورت «می‌توانند» ترجمه می‌شود. بنابراین پاسخ گزینه (۴) است.

نمونه: «لَمَّا نَقَلْتُ لَصَدِيقِي الْخَبَرَ الَّذِي كُنْتُ أَسْمَعُهُ دَائِمًا، قَالَ لِي: إِنِّي كُنْتُ قَدْ سَمَعْتُ هَذَا الْخَبَرَ مَرَارًا

(زبان - ۹۸)

قبل هذا!»:

- ۱) آن‌گاه که به دوستم گفتم این خبر را پیوسته می‌شنوم، او به من گفت: من همین خبر را بارها پیش از این شنیده بودم!
- ۲) وقتی خبری را که دائماً می‌شنیدم برای دوستم نقل کردم، به من گفت: من این خبر را قبل از این بارها شنیده بودم!
- ۳) هنگامی که این خبر را که مرتباً می‌شنیدم برای دوستم گفتم، او به من گفت: من نیز همین خبر را پیش از این به دفعات شنیده‌ام!
- ۴) زمانی که داشتم برای دوستم خبری را که بارها شنیده بودم نقل می‌کردم، به من گفت: من هم این خبر را قبل از این به دفعات شنیده‌ام!

پاسخ: (كُنْتُ أَسْمَعُ) معادل ماضی استمراری و به صورت «می‌شنیدم» و (كُنْتُ قَدْ سَمَعْتُ) معادل ماضی

بعید و به صورت «شنیده بودم» ترجمه می‌گردند. بنابراین پاسخ گزینه (۲) است.

ب) مهم ترین نکته های ترجمه

۱) ترجمه فعل مضارع بعد از حروف ناصبه (أَنْ، لِي، كَيْ، حَتَّى)، به جز حرف (لَنْ) که در صفحه قبل به آن اشاره شد، بقیه (حروف ناصبه) معنی فعل مضارع بعد از خود را به مضارع التزامی^۱ تبدیل می کنند:

حروف ناصبه (به جز «لَنْ») + فعل مضارع ← مضارع التزامی: أَنْ يَذْهَبَ: که برود

نمونه: مَيِّزَ الْعِبَارَةَ الَّتِي لَا يُتْرَجَمُ فِعْلُهَا بِشَكْلِ «المضارع الالتزامي»:

- ۱) عَلَى التَّلَامِيذِ أَنْ يُمَارِسُوا الرِّيَاضَةَ حَتَّى الضَّعْفَاءِ مِنْهُمْ!
- ۲) النَّاسُ الْعُقَلَاءُ لِيُؤَاجِهُوا حَقَائِقَ الْحَيَاةِ الْمَرَّةَ بِالرِّضَاءِ وَالتَّفَاؤُلِ!
- ۳) لِلْكَلامِ آدَابٌ وَمِنْ الْوَاجِبِ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا لِيُصْبِحَ كَلَامُهُ مُؤَثَّرًا!
- ۴) لَنْ يَشْفَى هَذَا الْمَرِيضَ بِسُرْعَةٍ لِأَنَّهُ لَا يَسْمَعُ نَصَائِحَ الطَّبِيبِ وَلَا يَعْمَلُ بِهَا!

پاسخ: (لَنْ + مضارع) به صورت مستقبل منفی معنی می شود. در گزینه های (۱)، (۲) و (۳)، حروف ناصبه (حَتَّى، لِي، كَيْ، أَنْ) + فعل مضارع بعد از خود به صورت مضارع التزامی ترجمه می شوند.

۲) معلوم یا مجهول بودن فعل: هنگام ترجمه افعال به معلوم یا مجهول بودن آنها توجه بفرمایید چه بسا با توجه به همین نکته ساده یک یا دو سؤال از سؤال کنکور سراسری را به سادگی و با اطمینان پاسخ دهید. به تست زیر که در کنکور سراسری ۹۸ رشته هنر آمده بود، توجه بفرمایید.

نمونه: «المفردات الَّتِي تَدْخُلُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنْ لُغَاتٍ أُخْرَى وَتَتَغَيَّرُ حُرُوفُهَا وَأَوْزَانُهَا وَفِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، تُسَمَّى الْكَلِمَاتُ الْمُعْرَبَةُ!»:

- ۱) واژگانی را که در زبان عربی از دیگر زبانها داخل شده و حروف و وزن آنها طبق زبان عربی در آمده است، کلمات عربی شده نامیده اند!
- ۲) کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان عربی می شوند و حروف و اوزان آنها طبق زبان عربی تغییر می کند، کلمات معرب نامیده می شوند!
- ۳) مفرداتی را که از زبانهای دیگر وارد زبان عربی می شوند و حرفها و وزنهای آنها مطابق زبان عربی دگرگون می شوند، واژگان معرب نامیده اند!
- ۴) واژگانی که از زبانهای دیگری داخل زبان عربی شده اند و حروف و اوزان آنها مطابق با این زبان تغییر کرده، واژگان عربی شده نامیده شده اند!

پاسخ: با توجه به دو فعل مضارع (تَدْخُلُ) و (تَتَغَيَّرُ) و فعل مضارع مجهول (تُسَمَّى): نامیده می شوند، فقط گزینه (۲) را انتخاب می کنیم.

۱- یادآوری: در فارسی به فعلهایی مانند (برود، بنویسد، قبول شود...) که (می) قبل از آنها به کار نرفته است، مضارع التزامی گفته می شود.

۳ صفت را با خبر اشتباه نکنید: لطفاً به مقایسه دو ترکیب زیر توجه کنید:

اسم تنوین دار بعد از ضمیر متصل، هرگز صفت واقع نمی‌شود و هنگام ترجمه معمولاً بعد از آن، از فعل «است» استفاده می‌کنیم.

• كِتَابُهُ التَّظْيِيفُ ... : کتاب تمیز او ...

صفت

• كِتَابُهُ نَظِيفٌ. : کتاب او تمیز است.

خبر

نمونه: مَيِّزُ الْخَطَا فِي التَّرْجُمَةِ:

(۱) مَزْرَعَتُنَا الْكَبِيرَةُ ... : مزرعه بزرگ ما ... ! (۲) سَفَرَتُكُمْ الْعِلْمِيَّةُ ... : گردش علمی شما ... !
(۳) عَمَلُكَ صَالِحٌ : کار نیک شما ... ! (۴) فَرِيقُهُ فَائِزٌ : تیم او پیروز است!

پاسخ: در گزینه (۳) کلمه (صَالِحٌ) چون تنوین گرفته است نمی‌تواند صفت باشد برای کلمه قبل از ضمیر متصل، بلکه خبر است. بنابراین باید چنین ترجمه شود: کار شما نیک و صالح است.
دقت کنید که در گزینه‌های (۱) و (۲) کلمات «الْكَبِيرَةُ» و «الْعِلْمِيَّةُ» صفت هستند برای کلمه قبل از ضمیر و به شکل درست ترجمه شده‌اند.

۴ کلمات پرسشی: مهم‌ترین کلمات پرسشی عبارت‌اند از:

أَيْنَ: کجا	کَم: چند، چند تا	لِمَنْ: مال کیست، مال چه کسانی است
مَنْ: چه کسی	مِنْ أَيْنَ: از کجا، اهل کجایی	هَلْ = أ: آیا
مَا: چه چیزی = چیست	مَتَى: کی، چه وقت	كَيْفَ: چگونه، چگونه
بِمَا = بماذا: به چه	لِمَا = لماذا: چرا	أَيَّ: کدام
مِمَّنْ (= مِنْ + مَنْ): از چه کسی مِمَّا (= مِنْ + مَا): از چه چیزی		

نمونه: عَيِّنْ جَوَاباً لَا يُنَاسِبُ سْؤَالَه:

(۱) لِمَ تَذْهَبِينَ إِلَى الْمُسْتَشْفَى؟ - أَذْهَبُ لِيُزَارَةَ جَدَّتِي الْمَرِيضَةَ!
(۲) لِمَاذَا لَمْ يَنْجَحْ صَدِيقُكَ؟ - لِأَنَّهُ لَمْ يَجْتَهِدْ فِي دَرُوسِهِ!
(۳) بِمَ تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ أَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ لِلدَّرَاسَةِ وَالتَّعْلَمِ!
(۴) مَتَى يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ؟ عِنْدَمَا يَرْجِعُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ مُبَاشَرَةً!

پاسخ: در گزینه (۳) کلمه بِمَ به معنی (با چه، از چه طریق یا وسیله) می‌باشد، در نتیجه در جواب آن باید وسیله یا روش ذکر گردد، مثلاً بگوییم: ... بِالسَّيَّارَةِ (= با ماشین).

۵ ترجمه اسم‌های نکره:

همان‌طور که می‌دانیم اسم‌های نکره مانند (کتابٌ، معلّمٌ و ...) به صورت (کتابی، یک کتاب، یک کتابی) معنی می‌شوند، اما باید توجه داشت که اسم نکره می‌تواند به صورت معرفه و بدون (یک) یا (ی) بیاید، مهم‌ترین این موارد عبارتند از:

الف) ترجمه خبر مفرد^۱ ← **مثال**: العلم مفیدٌ: علم مفید است.
خبر، نکره

ب) ترجمه موصوف و صفت نکره

دقت کنید موصوف و صفتی که هر دو نکره باشند، فقط یکی از آن دو به صورت نکره ترجمه می‌شود.

← **مثال**: ... في مزرعةٍ واسعةٍ] ... در مزرعه بزرگی ✓
... در مزرعه‌ای بزرگ ✓
نکره نکره

نمونه: مَيِّزَ الْخَطَأَ فِي التَّرْجُمَةِ:

- (۱) التَّوَّاعِعُ نِعْمَةٌ: فروتنی، نعمت است!
(۲) فَرِيقُنَا فَائِزٌ: تیم ما برنده است!
(۳) الْعِلْمُ كَنْزٌ: دانش گنج است!
(۴) وَجَدْتُ قَلَمًا: قلم را یافتم!

پاسخ: در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) کلمات (نِعْمَةٌ، فَائِزٌ، كَنْزٌ) با اینکه نکره هستند، چون در «جمله اسمیه» به کار رفته‌اند و خبر جمله می‌باشند، می‌توان آن‌ها را بدون (ی) نکره ترجمه کرد و هیچ اشکالی ندارند، اما کلمه (قلماً) در گزینه (۴) خبر جمله نمی‌باشد و چون به صورت نکره آمده است، باید به صورت (قلمی) یا (یک قلم) ترجمه شود.

۶ ترجمه اسم‌های موصول (الَّذِي، الَّتِي، الَّذِينَ و ...): اسم‌های موصول اگر بعد از اسم معرفه (معمولاً

دارای «ال») نیایند، به صورت «کسی که» یا «کسانی که» ترجمه می‌شوند، اما اگر بعد از اسم «ال» دار یا به طور کلی یک اسم معرفه بیایند، **اغلب** به صورت «که» ترجمه می‌شوند. مانند:

دقت کنید که در این حالت معمولاً اسم قبل از «که» همراه با «ی» ترجمه می‌شود^۳ و این «ی» نشانه نکره نمی‌باشد.

● **الکتابُ الَّذِي اشتریتَه** ← کتابی^۲ که ...
اسم (ال) دار اسم موصول

۱- (خبر)ی که از یک اسم تشکیل شده باشد، خبر مفرد نامیده می‌شود. «خبر مفرد» اگر مضاف الیه و یا صفت نداشته باشد، به صورت معرفه ترجمه می‌شود.
۲ و ۳- توجه: در چنین حالتی (ی) نشانه نکره نیست، بلکه به خاطر (که) آمده است.

نمونه: «إِنَّ الْإِنْسَانَ الَّذِي يَجِدُ طَعَاماً مَنَاسِباً لِفِكَرِهِ سَتُصْبِحُ قَدْرَتُهُ لِلْفَهْمِ وَالْعَمَلِ أَكْثَرًا»: (انسانی - ۹۸)

- ۱) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- ۲) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می‌یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- ۳) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- ۴) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!

پاسخ: با توجه به فعل مستقبل ستصبح (س + تُصْبِحُ) که به صورت (خواهد شد) معنی می‌شود، از بین گزینه‌های (۲) و (۳) یکی را انتخاب می‌کنیم و با توجه به الَّذِي (که) به کار رفته در عبارت عربی، گزینه (۳) حذف می‌گردد و گزینه (۲) جواب مورد نظر خواهد بود.

۷) آیا (ال) ممکن است به صورت (این) یا (آن) معنی شود؟

ترجمه اسم همراه با (این) یا (آن) ← اگر اسمی در یک عبارت به صورت نکره بیاید، سپس در ادامه همان عبارت، همراه با (ال) آورده شود، می‌توان آن اسم را همراه با «این» یا «آن» ترجمه کرد.

مثال: قرأت کتاباً، الكتاب كان مفيداً: کتابی خواندم، آن کتاب مفید بود.

نمونه: مَيِّزَ الْعِبْرَةَ جَاءَتْ فِيهَا (ال) بِمَعْنَى اسْمِ الْإِشَارَةِ:

- ۱) بنی المزارعون هذا السياح حول تلك المزرعة!
- ۲) قرأت قصيدة، القصيدة أرشدتني إلى طريق الحق!
- ۳) ظواهر الطبيعة تثبت حقيقة واحدة وهي قدرة الله!
- ۴) توجَد غابات جميلة من شجرة البلوط في محافظات غرب البلاد!

پاسخ: در گزینه (۲)، (ال) به کار رفته در (القصيدة) با توجه به اینکه کلمه (قصيدة) در همان عبارت بدون (ال) آمده، به صورت اسم اشاره (این) یا (آن) معنی می‌شود، یعنی:
قرأت قصيدة، القصيدة ...: قصیده‌ای خواندم، آن (این) قصیده ...

نمونه: عَيْنَ حَرْفِ «ال» مَعْنَاهُ اسْمُ الْإِشَارَةِ:

- ۱) يقفز السنجاب الطائر بغشائه الخاص، هذا الغشاء كالمظلة!
- ۲) الإجابة قبل أن تسمع الكلام سمعاً جيّداً من أخلاق الجهلاء!
- ۳) لا نقدر على أن نرى جناحي الطنّان لأنّ سرعة حركة الطنّان كثيرة!
- ۴) يا ربّ؛ أعود بك من قلب لا يخشع، كأنّ القلب يبتعد عن ربّه!

پیوست اول

لغات مهم، کلمات مترادف و متضاد

مسئله برای تسلط بر مبحث ترجمه که قسمت عمده‌ای از سؤال‌های کنکور سراسری (حدود ۷۰٪) را به خود اختصاص می‌دهد، علاوه بر تسلط بر قواعد و فرمول‌های ترجمه، باید لغات و اصطلاحات به کار رفته در کتاب‌های درسی را خوب بلد باشیم. همچنین یادگیری لغات برای تسلط بر مبحث درک مطلب بسیار ضروری است و سرعت عمل شما را بالا می‌برد.

علاوه بر این، خود لغات، تعریف کلمات و متضاد و مترادف به صورت مستقیم مورد پرسش واقع می‌شوند و معمولاً ۲ سؤال از آن‌ها مطرح می‌شود.

با این مقدمه کوتاه بیش از پیش به اهمیت و منزلت لغات و اصطلاحات به کار رفته در کتاب‌های درسی آشنا شدیم. لازم به یادآوری است که تمام لغات به کار رفته در این قسمت از خود کتاب درسی (از عربی هفتم تا عربی دوازدهم) انتخاب شده‌اند و برای یادگیری بهتر اغلب آن‌ها در جمله و عبارتی به کار رفته و شاهد و مثال برای آن‌ها نقل شده است. همچنین به کلمات هم‌ریشه یا متشابه توجه خاص شده، و نکته جالب‌تر اینکه از مترادف و متضاد کلمات مهم و ضروری نیز غفلت نشده و به صورت دقیق و کامل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

این مبحث به سه قسمت جداگانه تقسیم شده است:

الف- معانی لغات و اصطلاحات مهم کتاب‌های درسی

ب- کلمات متشابه از نظر ریشه اما متفاوت از نظر معنی

ج- مهم‌ترین کلمات متضاد کتاب‌های درسی

بدیهی است که برای یادگیری بهتر لغات و به خاطر سپردن آن‌ها نباید از تکرار و مطالعه مستمر غفلت کرد. در پایان این مقدمه کوتاه باید اضافه کنم که در لابه‌لای معانی لغات، نکته‌های ناب و دام‌ها و تله‌های تستی این مبحث با زبانی ساده و شیوا آورده شده‌اند و از این نظر کاری است جالب و جدید.

الف) لغات و اصطلاحات مهم کتاب‌های درسی

آتئی (= جاءء): آمد (مضارع: يأتِي)
 آتئی (بر وزن فاعَل، فعل ماضی): داد، پرداخت کرد (مضارع: يُؤْتِي)
مثال \leftarrow يُؤْتُونَ الزُّكُوَّةَ: زکات را می‌پردازند.
 آتئی (اسم فاعِل، بر وزن فاعِل) (= آتٍ): آینده، در حال آمدن
 آتٍ (فعل امر): عطا کن، بده

-۱

مثال \leftarrow رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً: خدایا عطا کن به ما ...

أَب (أَبُو، أَبَا، أَبِي): پدر (جمع: آبَاء)
 أَخ (أَخُو، أَخَا، أَخِي): برادر، دوست (جمع: إِخْوَةٌ، إِخْوَانٌ)

-۲

***توجه** \leftarrow إِخْوَانٌ: برادران جمع است و نباید با (أَخْوَانٌ: دو برادر) که بر مثنی دلالت دارد اشتباه شود.

إِخْتَارَ: برگزید / مُخْتَارَاتٌ: برگزیده‌ها
 خَيْرٌ (بر وزن فَعَّل): اختیار داد

-۳

مثال \leftarrow خَيْرُهُ فِي انْتِخَابِ أَحَدِ هَذَيْنِ الطَّرِيقَيْنِ: به او اختیار داد در انتخاب یکی از این دو راه.

أَدَاءٌ: به‌جا آوردن / أَدَاءُ الْوَجِبَاتِ الدِّينِيَّةِ: به‌جا آوردن واجبات دینی
 أَدَّى: ایفا کرد، منجر شد، ادا کرد (مضارع: يُؤَدِّي)

-۴

مثال \leftarrow أَدَّى دَوْرَهُ: نقش خود را ایفا کرد.

-۵ **آدَارُ**: چرخاند، اداره کرد (مضارع: يُدِيرُ / مصدر: إِدَارَةٌ)

إِذْ: آن‌گاه

إِذَا: اگر، هرگاه

لِذَا: [لِ + ذَا (= هذا)]: برای همین، به همین دلیل

-۶

***توجه** \leftarrow دقت کنید که (إِذَا) چون از ادوات شرط می‌باشد (یعنی جمله بعد از آن شرطی است) فعل ماضی بعد

از آن را می‌توان به صورت مضارع ترجمه کرد: إِذَا نَجَحَ ... : اگر قبول بشود ...

مضارع

ماضی

۱- فقط برای اطلاع: کلماتی مانند (عَالِي، آتِي، مَاضِي...) که به (=ي) ختم می‌شوند، اگر (ال) نداشته باشند و در جمله

منصوب (ء) واقع نشوند، ی آخر آن‌ها حذف می‌شود و با تنوین جر یعنی با (ي) می‌آیند، به عبارت ساده‌تر: آتِي \leftarrow آتٍ /

عَالِي \leftarrow عَالٍ ...

۷- أَرْضَع: شیر داد (مضارع: يُرْضِعُ / مصدر: إِرْضَاع)

۸- أَسَاءَ: بدی کرد (مضارع: يُسِيئُ / مصدر: إِسَاءَةٌ)
سُوءَ: بدی / سَيِّئًا: بد / سَيِّئَةً: گناه، مَعْصِيَةٌ (جمع: سَيِّئَات)

۹- اسْتَرْجَع: پس گرفت (مضارع: يَسْتَرْجِعُ / مصدر: اسْتِرْجَاع)

مثال: اسْتَرْجَعْتُ کتابی من زمیلی: کتابم را از همکلاسی ام پس گرفتم.

۱۰- اسْتَعَانَ: یاری جست، کمک طلبید (مضارع: يَسْتَعِينُ / مصدر: اسْتِعَانَةٌ) / مُسْتَعِينًا: با کمک گرفتن از ...

مثال: اِبْحَثْ عن معاني هذه الكلمة مُسْتَعِينًا بِالْمُعْجَم: با کمک گرفتن از واژه‌نامه معانی این کلمه را جستجو کن.

۱۱- اسْتَعَانَ: کمک خواست (مضارع: يَسْتَعِينُ / مصدر: اسْتِعَانَةٌ)

۱۲- اسْتَقْبَلَ: به پیشواز رفت (مضارع: يَسْتَقْبِلُ / مصدر: اسْتِقْبَالٌ) (به پیشواز کسی رفتن) [مَسْؤُولُ الاسْتِقْبَالِ: مسئول پذیرش]

۱۳- أُسْرَةٌ: خانواده (جمع: أُسْرٌ)

۱۴- سَرِيرٌ: تخت (جمع: أُسْرَةٌ)

۱۵- أُسْرِيٌّ: شبانه حرکت داد (مضارع: يُسْرِئُ / مصدر: إِسْرَاءٌ)

مثال: ﴿سَبْحَانَ الَّذِي أُسْرِيُّ بَعْدَهُ لَيْلًا...﴾: پاک است و منزله آنکه بنده خود را شبانه حرکت داد ...

۱۶- أَضَاعَ (= ضَيَّعَ): تباه کرد، گم کرد (مضارع: يُضِيعُ / مصدر: إِضَاعَةٌ)

۱۷- التَّامُّ: بهبود یافت (مضارع: يَلْتَمُّ / مصدر: التِّتَامُ)

۱۸- اِمْرًا (اِمْرُوٌّ، اِمْرِيٌّ (الْمَرْءُ)): انسان، مرد
اِمْرَاءَةً (الْمَرْءَاتُ): زن / نِسَاءً: زنان

۱۹- تَرَاخَمَ: مهربانی کرد (مضارع: يَتَرَاخَمُ / مصدر: تَرَاخُمٌ)

مثال: يَتَرَاخَمُ الخَلْقُ: آفریدگان به هم مهربانی می‌کنند.

۲۰- أَوْسَطُ (مؤنث: وُسطَى): میانه‌تر، میانه‌ترین / اَمْرِيكا الوُسطَى: آمریکای مرکزی

۲۱- اَنْتَجَ: تولید کرد (مضارع: يُنتِجُ / مصدر: اِنْتِاجٌ)

*توجه: فعل (اَنْتَجَ) بر وزن (أَفْعَلَ) و متعلق به باب افعال است یعنی سه حرف اصلی آن (ن ت ج) و (نون) جزو حروف اصلی کلمه است.

۲۲- اَنَارَ (= أَضَاءَ): روشن کرد، نورانی کرد (مضارع: يُنِيرُ / مصدر: اِنَارَةٌ)

آنَّ	إِنَّ	آنَّ	إِنَّ	۲۳-
↓	↓	↓	↓	
حقیقتاً، قطعاً که		... که ... اگر		
بعد از آن‌ها مستقیماً اسم (یا ضمیر متصل) می‌آید		بعد از آن‌ها مستقیماً فعل می‌آید		

۲۴- بِرِّي: خشکی، صحرایی
بِرٌّ: خوبی، نیکی / بِرُّ الوالدین: خوبی کردن به پدر و مادر

۲۵- بَسَطَ (فعل): گستراند
بَسِطٌ: ساده (≠ صَعْب)
تَبَسَّطَ (مصدر باب تفعیل): ساده کردن، آسان ساختن

مثال يَبْسُطُ الغيوم في السماء: ابرها را در آسمان می‌گستراند.

۲۶- بِضَاعَةٌ: کالا (جمع: بَضَائِع)

۲۷- بُقْعَةٌ: قطعه زمین (جمع: بُقَاع)

۲۸- بَكِيٌّ: گریه کرد (مضارع: يَبْكِي / مصدر: بُكَاء)

۲۹- بَدِيعٌ: نو (برای نخستین بار)، اصطلاحاً به معنی زیبا
رَائِعٌ: جالب، زیبا

۳۰- تَلَّى: خواند، تلاوت کرد (مضارع: يَتْلُو / مصدر: تِلَاوَةٌ)

۳۱- تَالِيٌّ (= قَادِمٌ، آتِيٌّ): آنچه یا آنکه می‌آید، بعدی

۳۲- تَخَرَّجَ: فارغ التحصیل شد (مضارع: يَتَخَرَّجُ / مصدر: تَخَرُّج)

مثال تَخَرَّجَ أَخِي مِنَ الْجَامِعَةِ: برادرم از دانشگاه فارغ التحصیل شد.

۳۳- لَوْنٌ: رنگ (جمع: ألوان)
لَوْنٌ (بر وزن فَعْلٍ): رنگارنگ کرد، رنگ آمیزی کرد / تلوین: رنگ آمیزی کردن
مُلَوَّنٌ: رنگارنگ، رنگ آمیزی شده

۳۴- تُرَابٌ: خاک، ریزگرد / طِينٌ: گِل / رَمْلٌ: شن (جمع: رِمَال)

۳۵- عَوَّضٌ: جبران کرد [مضارع: يُعَوِّضُ / مصدر: تَعْوِضُ (جبران کردن)]

***توجه** دقت کنید (تعویض) در فارسی به معنی جایگزین کردن و تغییر دادن است و با معنی تعویض در عربی متفاوت است.

۱- (ملوَّن در فارسی، به معنی دورو) و کسی که مرتب چهره عوض می‌کند، هم به کار می‌رود.

۳۶- مَطَر: باران (جمع: اَمَطَار) / اَمَطَرَ (فعل ماضی بر وزن أَفَعَلَ): باران بارید / تَلَّج: برف (جمع: تَلْج) / تَلَّجِي: برفی

۳۷- جِدَار: دیوار / صَحِيفَة جِدَارِيَّة: روزنامهٔ دیواری / سِيَّاح: دیوار، پَرچین / سِيَّاح المزرعة: پرچین یا حصار مزرعه

۳۸- جَذْوَة = شَرَاة: پارهٔ آتش، اخگر

مثال: الشَّمْسُ جَذَوْتَهَا مُسْتَعِرَة: خورشید اخگرش فروزان است.

۳۹- جَار: همسایه (جمع: جِيرَان) / جَوَار = مُجَاوَرَة: نزدیک بودن، نزدیکی

۴۰- جَاءَ = أَتَى: آمد
جَاءَ ب = أَتَى ب: آورد / جَاءَ بِالْحَقِّ: حق را آورد

۴۱- جَمَارَك: گمرگ / إِدَارَة الجَمَارَك: ادارهٔ گمرگ

۴۲- جَوَاز (= جَوَاز سَفَر): گذرنامه (جمع: جَوَازَات)

۴۳- جَوَزة: دانهٔ گردو، بلوط و مانند آن (جمع: جَوَزَات)

۴۴- جَهَّزَ (فعل): آماده شد، حاضر شد / جَاهِزٌ (اسم بر وزن فاعِل): آماده، حاضر / الطَّعام جَاهِزٌ: غذا آماده است
جَهَّزَ (بر وزن فَعَلَ): آماده کرد، حاضر کرد / مُجَهَّزٌ (اسم مفعول): آماده و مجهز شده

۴۵- قَصَّرَ: کاخ (جمع: قُصُور) / قُصُور الملوک: کاخ‌های پادشاهان
قَصَّرَ (بر وزن فَعَلَ): کوتاهی کرد (مضارع: يُقَصِّرُ / مصدر: تَقْصِير)

۴۶- حُسَام: شمشیر (= سَيْف) (جمع سیف: سُيُوف)

۴۷- حُدُود: مرزها، مرز / حُدُود البلدین: مرز دو کشور، مرزهای دو کشور

*توجه: «حدود» هم به صورت جمع معنی می‌شود و هم به صورت مفرد

۴۸- نار: آتش (جمع: نيران) / أَشْعَل نَاراً: آتشی برافروخت، آتشی را روشن کرد

۴۹- حَطَب: هیزم

۵۰- حَلَّ ب: در ... فرود آمد

مثال: حَلَّ بهذا البلد: در این سرزمین یا کشور فرود آمد.

۵۱- حَلَوَانِيّ: شیرینی فروش / حُلُو: شیرین / حَلَوِيَّات: شیرینی‌جات

۵۲- حَمِيم: گرم و صمیمی / صَدِيق حَمِيم: دوست صمیمی و نزدیک

طَحِين: آرد
 العَجِين: خمیر
 خُبز: نان / خَبَّاز: نانوا

مثال: يُصنَع الخبز من العَجِين: نان از خمیر ساخته می‌شود.

۵۴- حَوَّلَ (= بَدَّلَ = غَيَّرَ): تغییر داد، تبدیل کرد / مضارع: يُحوِّلُ / مصدر: تَحْوِيلُ

حَيَّرَ (بر وزن فَعَّلَ): حیران کرد / حَيَّرَنِي: مرا حیران کرد
 تَحَيَّرَ (بر وزن تَفَعَّلَ): حیران شد
 حَائِر (اسم فاعِل): سرگردان

۵۶- خَسِرَ: زیان دید، از دست داد / مصدر: خُسْران (زیان دیدن) / خاسِر: زیان دیده

۵۷- خَشَبَ: چوب (جمع: أَخْشَاب) / خَشَبِيّ: چوبی

۵۸- ذَا [در (مَنْ ذَا ... ؟: این کیست) = مخفف هذا]: این

۵۹- دَوَامَ: ساعت کار / دوام الإدارات: ساعت کارِ اداره‌ها

ذُنْبٌ: گناه (جمع: ذُنُوب) (ذَنْبٌ = إِثْمٌ)
 ذَنْبٌ: دُم، دنباله (جمع: أَذْنَاب)
 أَذْنَبَ (بر وزن أَفْعَلَ): گناه کرد (= عَصَى)

۶۱- رُجَاجٌ، رُجَاجَةٌ: شیشه / بَيْتُ رُجَاجِيّ: خانه شیشه‌ای

۶۲- شَبَكَةٌ: تور / شبكة الصيادين: تور ماهی‌گیران

۶۳- صَالَةٌ = قَاعَةٌ: سالن / صالة الامتحانات: سالن امتحانات

۶۴- مَنشَقَةٌ: حوله

۶۵- معجون أسنان: خمیر دندان / مفرد أسنان: سین (دندان)

۶۶- شَرَشَفٌ: ملافه (جمع: شَرَشِيف)

۶۷- صَفٌّ: کلاس (جمع: صُفُوف)

۶۸- ضَعْف: برابر در مقدار / ضِعْفَيْن: دو برابر

مثال، يَحْمَلُ ضِعْفِي وَزْنَهُ: دو برابر وزن خود را حمل می‌کند.

***توجه**، همان‌طور که می‌دانیم اسم‌های مثنی یا جمع مذکر سالم اگر مضاف واقع شوند یعنی بعد از آن‌ها مضاف‌الیه بیاید، نون آخر آن‌ها حذف می‌شود. کلمه (ضِعْفِي) در عبارت بالا از همین قاعده پیروی کرده است. (ضِعْفِي) قبلاً (ضِعْفَيْن) بوده است، اما چون بعد از آن مضاف‌الیه آمده، نون آخر آن حذف شده است. به اسم‌های زیر که (نون) آن‌ها نیز حذف شده است، توجه کنید:

والدای (والدان + ی): پدر و مادر من
 أُخْتَاي (أُخْتَانِ + ی): دو خواهر من
 أَخَوَاي (أَخْوَانِ + ی): دو برادر من
 مُعَلِّمُوهُ (مُعَلِّمُونَ + هـ): معلمان او، معلمانش

صَيِّف: مهمان (جمع: صُيُوف)

صَيِّفَ (فعل و بر وزن فَعَّلَ): مهمان کرد / ضِيَاْفَةٌ: مهمانی / مِضْيَاف: مهمان‌نواز، بسیار مهمان‌نواز

۷۰- طَرَدَ: با تندى راند، اخراج کرد / مَطْرُود: رانده شده، اخراج شده

۷۱- غَام: سال (جمع: أَغْوَام) (= سَنَةٌ) / عام دراسی: سال تحصیلی / سَنَوِيّ: سالانه

۷۲- عَلِيكَ بِ: بر تو لازم است ... ، تو باید ...

***توجه**، اگر حرف (عَلَى) با اسم یا ضمیر بعد از خود در جمله بیاید می‌تواند به صورت فعل امر یعنی (باید، واجب است بر ...) معنی شود.

عَلَيْكُمْ بِالْاجْتِهَادِ ... : بر شما واجب است که کوشش کنید ...

عَلَى النَّاسِ حِجَّ الْبَيْتِ ... : بر مردم واجب است که خانه [خدا] را زیارت کنند ...

***توجه**، دقت کنید در این حالت اسم بعد از این ترکیب یعنی بعد از (علی + اسم یا ضمیر متصل) می‌تواند به صورت مضارع معنی شود، همان‌طور که کلمات (الاجتهاد) و (حج) چنین معنی شده‌اند.

۷۳- عَصَفَ: وزید / عَاصِفَةٌ: گردباد، باد شدید

۷۴- فَاقَ: برتری یافت (مضارع: يَفُوقُ)

مثال، تَسْتَطِيعُ التَّمْلَةَ أَنْ تَحْمَلَ شَيْئًا يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً: مورچه می‌تواند چیزی را که ۵۰ بار از وزن خود او سنگین‌تر است حمل کند.

۷۵- غَارَةٌ: حمله (جمع: غارات) / غَارَةٌ جَوِّيَّةٌ: حمله هوایی

۷۶- فُرْشَاةٌ: مسواک / مَعْجُونُ أَسْنَانٍ: خمیر دندان